



آموزش معکوس در راستای یادگیری بهتر و سریعتر

نام درس: **دنای ادیب** نام دبیر: **غزاله صادق زاده**

مبحث: **غزل** انتحار تدریجی

مقطع: **دبستان** پایه: **چهارم - پنجم - ششم**





انتحار تدریجی

خجل شدم ز جوانی که زندگانی نیست

من از دو روزه ی هستی به جان شدم بیزار

همه به گریه ی ابر سیه گشودم چشم

به غصه بلکه به تدریج انتحار کنم

نه من به سیلی خود سرخ می کنم رخ و بس

بین به جلد سگ پاسبان چه گر گانند

ز بلبل چمن طبع شهریار افسوس

به زندگانی من فرصت جوانی نیست

خدای شکر که این عمر، جاودانی نیست

در این افق که فروغی ز شادمانی نیست

دریغ و درد که این انتحار آنی نیست

به بزم ما رخی از باده ارغوانی نیست

به جان خواجه که این شیوه ی شبانی نیست

که از خزان گلش شور نغمه خوانی نیست





شرح واژگان و دشواری ها

فروغ: روشنی
آنی: لحظه ای
رخ: بزم
خواجه: آقا، سرور
نغمه خوانی: آواز خوانی

افق: کرانه ی آسمان
دریغ: حیف، افسوس
ارغوانی: سرخ رنگ
شبانۃ: چوپانی
خزان: پاییز

خجل: خجالت زده
انتحار: خودکشی
باده: شراب
بزم: مهمانی
طبع: ذوق و احساس



درک مطلب

۱- احساسی که از این غزل در شما پدید آمد را بیان کنید.





مجمع آموزشی هوشمند خدیجه کبری (س)

www.kksec.org

<https://instagram.com/khadijekobra1368>